



۵

عاشقانه‌ها

گل و نوروز

خواجوی کرمانی

مردان به نثر دکتر زینب عرب‌نژاد

مقدمه و نظارت علمی دکتر سیده زیبا بهر

ویراسته معصومه اسنپان



موضوع: غریب‌نژاد، زینب، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: گل و تورون، اندیشه‌های جوانان ایران؛ برگردان به نثر زینب غریب‌نژاد.

مشخصات نشر: تهران: گروه مطالعات ادبی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۶۰ صفحه، ۲۱/۵ سانتی‌متر، س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۰-۶۲-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: دنیا

موضوع: خواجهی کرمانی، محمودبن علی، ۶۸۹ - ۷۵۳ ق.، گل و تورون.

موضوع:

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن

موضوع: 20th century -- Persian fiction

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۸۱۵/۴۳۴ PIR

رده‌بندی دیویی: ۶۲/۸۱۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۹۵۶۳۱

انتشارات گروه مطالعات اندیشه‌ورزان آریا

گل و نوروز عشقانه‌ها (۵)

نویسنده: خانم جرمانی

برگردان به نثر: دکتر باب‌عرب‌نژاد

ویراست ادبی: محبومه امینیا

مقدمه و نظارت علمی: دکتر سید زینب یوز

طرح جلد: سید ایمان نوری

نظارت چاپ: مهبد والی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶ - نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۸-۶۲-۸

تلفن: ۸۸۷۰۰۵۹۶-۸۸۵۵۰۴۰۲

andishevarzan.info@yahoo.com

ارتباط با مشتریان: ۰۹۱۳۳۶۱۷۷۵۳

[telegram.me/cafenovel](https://t.me/cafenovel)

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست عناوین

سخن ناشر: ۱۱

مقدمه: ۱۳

خلاصه داستان: ۲۳

کتاب گل و نوروز: ۲۷

فی نعت سید المرسلین و خاتم النبیین الصلوٰۃ و السلام و التحیه و یدکر الاعراب: ۳۱

فی العزله و الموعظه و یمدح سلطان العارفين ابایزید البسطامی قدس الله روحه: ۳۵

در مناجات و درخواست از حضرت باری تعالی جل ذکره: ۳۹

آغاز داستان: ۴۳

رسیدن شاهزاده نوروز به جهان افروز کشمیری و داستان گل از او شنیدن: ۴۷/ در صفت جمال گل

و احوال او: ۵۱/ دیدن نوروز دو مرغ سبز را در خواب و حکایت ایشان: ۵۵/ اجازت خواستن شهزاده

از پدر و منع کردن او: ۵۹/ معلوم کردن شاه پیروز، احوال نوروز و مهرسب حکیم را به نصیحت

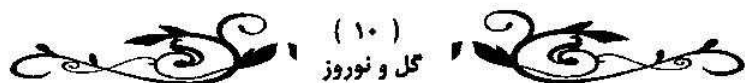
پیش او فرستادن: ۶۳/ حکایت وزیر محمد نام که بر پسری علی نام عاشق گشت و نصیحت
 زین العابدین شنید تا هلاک شد: ۶۷/ پاسخ دادن شهزاده نوروز مهرسب حکیم را و آشکارا کردن
 راز خویش: ۷۱/ مثل زدن شاهزاده نوروز داستان بهزاد و پری‌زاد که از چندان شدت فرج یافته
 به مقصود رسیدند: ۷۵/ بازگشتن مهرسب حکیم به نزدیک شاه پیروز و پسر خویش را مهران به
 ملامت شاهزاده فرستادن: ۸۳/ ملامت کردن مهران شاهزاده نوروز را و زاری کردن او: ۸۷/ مثل
 زدن ران یا نوروز از داستان مهر و مهربان که بعد از چندان مشقت به مراد نرسیدند: ۹۱/ پاسخ
 دادن شاهزاده مهران مهرسب را: ۱۰۳/ مثل زدن شاهزاده از داستان کمال و جمال و آن ملامت‌گو
 که بر جلوس عاشق گشت و از درد هلاک شد: ۱۰۵/ پشیمان شدن مهران از ملامت شاهزاده و
 عذر خواستن: ۱۰۹/ ران زدن شاه پیروز نوروز را به زیارت‌گاه کوه و زاهدی که آنجا به عبادت
 مشغول بود: ۱۱۱/ فرستادن شاهزاده نوروز با موبدان در مرغزار و به عشرت مشغول شدن و ایشان
 را مست گذاشتن و روی به روم آوردن: ۱۱۱/ رسیدن نوروز به سرحد روم به شروین ابن شروان و
 با او حرب کردن: ۱۱۹/ رفتن شاهزاده نوروز به دست یاقوت خادم به قلعه سلم رومی و داستان او:
 ۱۲۳/ بزم آراستن سلم رومی در شب و اعلام کردن یاقوت خادم نوروز را از مکر او و کشتن نوروز
 سلم را: ۱۲۷/ رزم کردن شهزاده نوروز و شروین بن شاپور با سپاه سلم رومی و کشتی گورنگ
 و قلعه گرفتن: ۱۳۱/ به‌دست آوردن شاهزاده نوروز، سپاه را به سوگند و در عقد نکاح شروین
 بن شروان آوردن: ۱۳۳/ کوچ کردن نوروز و رسیدن به سپاه شام و نزول او به دیری
 که پرستشگاه روم است: ۱۳۷/ مثل زدن راهب با شاهزاده نوروز از حکایت بصره نصیر در باب
 جوانمردی: ۱۴۱/ رسیدن شهزاده نوروز به دزدان و کشتن امیر ایشان و خلاص دادن بخت‌افروز
 رومی را: ۱۴۹/ رسیدن شاهزاده به حد قیصر و کشتن ازدهای سپاه و بیتی چند در صفت ازدها:
 ۱۵۳/ بردن شاهزاده نوروز ازدها را به گردن به بارگاه قیصر روم: ۱۵۷/ کشتی گرفتن شاهزاده با
 شبل زنگی در بارگاه قیصر و انداختن شاهزاده شبل را و صفت او: ۱۶۱/ آمدن دایه گل به نزدیک
 نوروز و خبر دادن از عاشق شدن گل: ۱۶۵/ رفتن شاهزاده به بارگاه قیصر به خواستگاری گل و
 آگاهی یافتن از لشکر کشیدن فرخ‌روز شامی به روم: ۱۶۹/ رفتن شاهزاده نوروز در شب به رسم

عیاران به قصر قیصر و گل را در شبستان خفته یافتن: ۱۷۳ / آگاه شدن گل بامداد از آمدن نوروز و دیدن انگستری او در انگشت خود و بر یاد او مجلس آراستن: ۱۷۷ / نوا ساختن شهناز چنگی و اشک ریختن گل در هوای نوروز: ۱۷۹ / لشکر کشیدن فرخ‌روز شامی به در قیصریه و رزم او با سپاه قیصر روم: ۱۸۱ / کشته شدن فرخ‌روز شامی بر دست نوروز و امان جستن سپاه شام: ۱۸۵ / بردن طوفان جادو گل را از شبستان در شب و دیدن نوروز دو بلبل را در خواب که با یکدیگر احوال گل باز می‌کنند و رهنمونی کردن ایشان به مقام طوفان جادو: ۱۸۹ / راندن شاهزاده در عقب نخجیر و راس خطا شدن و دیدن پری را بر صورت جوانی و ازو دلداری یافتن: ۱۹۳ / دیدن شهزاده در شب، پیر نیکی بر صورت کشیش و ازو نشان قصر شاپور که مقام طوفان جادو بود یافتن: ۱۹۷ / رسیدن نوروز به قصر شاپور کشتن طوفان جادو را و گشادن طلسمات و مهران مهرسب را از بند بیرون آوردن: ۲۰۱ / رسیدن گل و نوروز به روم و آشکارا کردن مهران نسب شاهزاده و قیصر گل را در عقد شاهزاده درآورن: ۲۰۵ / رسیدن نوروز به مجلس خاص و بر دین احمدی تجدید عقد نکاح کردن: ۲۰۹ / رسیدن گل و نوروز به کدیگ به‌طریق حلال: ۲۱۳ / روان کردن قیصر مهد را با نوروز به ایران: ۲۱۷

رسیدن شاهزاده نوروز به دیر دانش‌افروز و سؤال و جواب ایشان: ۲۲۱

سؤال از منشأ و معاد و جواب آن / سؤال در پرستیدن انعام و جواب آن / سؤال در صاحب‌الزمان و جواب آن / سؤال در حرکات فلکی و جواب آن / سؤال مدت ادوار ملک و جواب آن / سؤال در اسرار ازل و اول کسی که مبعوث بود و جواب آن / سؤال در ممات و حیات و جواب آن / سؤال در بیان روح و جواب آن / سؤال در کیفیت خردمند و بیاض و جواب آن / سؤال در تصوّر و جواب آن / سؤال در تصدر و جواب آن / سؤال در تفضل و جواب آن / سؤال در تواضع و جواب آن

رسیدن شاهزاده نوروز با گل به مرو و بعد از مدتی وفات یافتن شاه پیروز: ۲۳۷ / نشستن شاهزاده نوروز به پادشاهی بر تخت پدر: ۲۳۸ / ولادت شاهزاده قباد و وفات گل و نوروز و جلوس شاهزاده قباد: ۲۴۱ / در مدح قطب‌الاقطاب سلطان‌المحققین... مرشدالحق و الدین ابواسحاق ابراهیم کازرونی



قدس الله سره: ۲۴۵/ خطاب با باد بهار و ارسال عبودیت به حضرت ولایت‌پناه شیخ الاسلام اعظم
قطب‌الاولیا سراج‌الاصفیا امین‌الملئ و الدین الکاظمی رحمه الله علیه: ۲۴۷/ در تاریخ ولادت خویش
گوید و نمودار اوضاع فلکی در وقت ولادت و نکوهش دوران افلاک: ۲۴۹/ در موعظه و وصف
کتاب و تاریخ و عدد ابیات گوید: ۲۵۱/ در حسب حال خویش با ممدوح و خاتمت کتاب گوید: ۲۵۳
ذو هنگ لغات و تعابیر: ۲۵۵/ منابع: ۲۵۷

www.ketab.ir

سخن ناشر

آثار منظوم ادبیات کهن پارسی هم‌چون آینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ ناب انسانی، وحدانی و الهی مردمان ایران زمین همواره سرسبز از نابیت شنیدن و روایت‌خوانی بوده است و بزرگانی چون فردوسی، مولانا جلال الدین رومی، سنجی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری و دیگران در آثار خود چشمه‌های فیاض این نگاه را بازآفرینی کرده‌اند و با ظرافت و شیرینی شکرشکن زبان فارسی بدان پرداخته‌اند. در واقع این «راحت طبع» سخن‌سنجی بی‌نظیر، در کنار روایت‌ها و حکایات عاشقانه و عارفانه، تلفیقی ماندگار و ماندگار هم‌نشینی فرم و محتوا را خلق کرده است.

ناشر با حفظ این اندیشه، در مجموعه حاضر برگردان آثار این بزرگان از نظامی به نثر را تنها جهت روان‌خوانی و پیوستن مخاطب به اقیانوس پرگهر فرهنگ و ادب ایران زمین و البته امکان ترجمه‌ای سهل و به دور از تحریف به سایر زبان‌ها تدارک دیده است. در این مهم، بازنویسان متون کوشیده‌اند با توجه دقیق به کیفیت فرم و محتوا، نوعی از نثر را پدید آورند که هم برخوردار از حسن کلام و ادب پارسی بوده و هم فهم معانی بس پیچیده و دشوار را برای نسل امروز ممکن سازد. با سپاس ویژه از تمامی عزیزان گرانقدری که ناشر

را در انجام این مهم یاری کرده‌اند و با طلب همت از خواننده‌ی محترم که در این زمانه، سرمایه‌ی امیدبخش نشر مکتوب محسوب می‌شود؛ ان شاءالله بتوانیم برگرفته‌ای از این گنج مکتوب را به دل‌های پرمهر علاقه‌مندان و دوستداران هدیه دهیم.

در پایان شایسته است از زحمات سرکار خانم دکتر زینب عرب‌نژاد که منظومه‌ی جذاب «گل و نوروز» خواجوی کرمانی شاعر قرن هفتم هجری قمری را به نثر روان و شیوای بی‌مگرداند سپاسگزاری کنیم. همچنین سرکار خانم معصومه امینیان عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی جهت ویرایش ادبی و محتوایی اثر و نیز سرکار خانم دکتر سه‌سره زیبا، روز جهت نگارش مقدمه و نظارت علمی شایسته‌ی قدردانی می‌باشند. در ارائه‌ی این کتاب از اهنمایی‌های استادان ارجمند دیگری در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه‌های تهران، صفهان، بهره برده‌ایم که از همگی آن‌ها سپاسگزاریم. بدون تردید، اگر در سایه لطف حضرت حق، تالارهای بی‌وقفه‌ی تمامی این عزیزان نبود، اثر حاضر به ثمر نمی‌رسید. امید است که عزیزان و دانش‌آموزان مجموعه شاهکارهای منظوم فارسی به نثر با همکاری صمیمانه‌ی این دوستان و دیگر افراد علاقه‌مند تداوم یابد و بر موانع و کاستی‌ها بیش از پیش غالب و فایق شود.

حرف و مطالعات اندیشه‌ورزان

امید شهریار امینیان

مقدمه

نخلبند شعراء کمال‌الدین ابوعطا محمد بن علی بن محمود مرشدی کرمانی در شب یکشنبه بیستم ذی‌الحجه سال ۸۹۰ ق در کرمان متولد شد. دولتشاه سمرقندی نوشته است که او از بزرگ‌زادگان کرمان بوده است. این کودک را در کرمان گذرانیده سپس به سفرهای طولانی خود به حجاز و شام، بیت المقدس و عراق عجم و عرب و مصر و فارس و بعضی از بنادر خلیج فارس پرداخت. از سالانۀ اقامت جوانی، چگونگی تحصیل و نام استادان خواجو چیزی در منابع دستیاب نیامده است. بیشتر اطلاعات ما درباره او از آثارش برمی آید. پیداست که مقدمات علوم متداول عصر، مانند صرف و نحو، لغت و ادب، قرآن و تفسیر را در کرمان خواند؛ با آثار جمعی از مؤلفان بزرگ به خوبی آشنا شد. دقایق دانش‌های هیئت و نجوم و موسیقی آگاهی یافت.

در شاعری نیز با آشنایی تمام با شعر سنایی غزنوی، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی و سعدی به قدرت و شهرت رسید. بنابر گفته خود او سی ساله بود که ابوالفتح مجدالدین محمود، یکی از صدور بزرگان کرمان، از او درخواست که کتابی به نام او بپردازد و او

همای و همایون را در سال ۷۱۹ ق در کرمان آغاز کرد، هنوز منظومه همای و همایون را به پایان نیاورده بود که از کرمان بیرون آمد. در حدود سال ۷۳۲ ق مدتی در بغداد بود و همای و همایون را در آنجا به پایان برد. پس از آن به قصد پیوستن به اردوی ایلخان، ابوسعید بهادرخان و تقدیم کتاب خود به او و وزیرش، غیاث‌الدین محمد رشیدی به آذربایجان رفت و چندی در تبریز در خدمت آن وزیر ادب‌پرور بود.

پس از درگذشت ابوسعید بهادرخان از آذربایجان و تبریز به همدان و کرمان و سپس به فارس رفت و به خانان اینجو پیوست. خواجو در طریقت پیرو فرقه مرشدی و مرید شیخ امین‌الدین کازرونی، امام طریقه مرشدی و کازرونیه بود. خواجو بیشتر ایام بخش پایانی عمر خود را در شیراز گذراند. به مث ۱۰ سال آخر عمر خود را مشغول نظم مثنویات و رسائل نثری خود شد و سرانجام در سال ۷۵۰ ق درگذشت و در تنگ الله‌اکبر شیراز به خاک سپرده شد.

خواجو در بسیاری از قالب‌های شعر، به تجربه‌آزمایی کرده و در موضوعات مختلف سخن گفته است و در بعضی از انواع آن نوآور یا از نوآران است. طرز سخن خواجو در قصاید مختلف است. برخی از قصاید او به اسلوب خفای شباهه است و گاه به سبک خراسانی نزدیک شده، لیکن به‌طور کلی سبک وی عراقی است. از رجسته‌ترین ویژگی‌های شعر او گفتن غزل‌های ناب و تأثیر آشکار وی در شعر شاعر بزرگ و حافظ را می‌توان برشمرد. درباره آثار منشور خواجه می‌توان گفت بیشتر رساله‌های منثور و به صورت مناظره است و از آن نوع که در عربی و فارسی «مقامات» نامیده شده است. خواجو مسجع و مصنوع و سرشار از اطلاعات ادبی و علمی است و با عباراتی که در آن‌ها عربی و فارسی و نظم و نثر در هم آمیخته است، آثار خواجو در نظم و نثر عبارت است از:

۱. دیوان: مجموعه‌ای از غزل، قصیده، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی، قطعه، و مستزاد که بالغ بر ۱۵۰۷۶ بیت است. این دیوان در زمان حیات شاعر در دو بخش

تدوین و به «صنایع الکمال» (قصاید، ترکیبات، ترجیعات، قطعات، حضریات، سفریات) و «بدایع الجمال» (مدایح، مناقب، شوقیات، رباعیات) موسوم شده است. اوج شاعری خواجه در غزل است. بعضی از غزل‌های او را در لطف معنی و زیبایی و تازگی لفظ می‌توان از بهترین غزل‌های فارسی دانست. شعر غنایی خواجه با عبارات و اصطلاحات اهل تصوف و عرفان آمیخته است.

۲. خسسه خواجه: منظومه‌های پنج‌گانه خواجه عبارت است از:

الف. همای و همایون: نخستین مثنوی خواجه بر وزن اسکندرنامه نظامی شامل ۴۴۰۲ بیت در بحر متقارب نوشته شده در سال ۷۳۲ ق
ب. گل و نوروز: بر وزن سسه شیرین نظامی
ج. روضه الانوار: بر وزن عزن راز نظامی شامل ۲۰۰۰ بیت در بحر سریع نوشته شده در سال ۷۴۳ ق

د. کمال‌نامه: بر وزن هفت‌پیکر شامل ۲۸۰۰ بیت نوشته شده در سال ۷۴۴ ق
ه. گوهرنامه: بر وزن خسرو شیرین نظامی شامل ۲۰۲۲ بیت نوشته شده در سال ۷۴۶ ق
۳. آثار منشور خواجه:

الف. شمع و شمشیر درباره مناظره شمع و شمشیر در ده روز ملازمان درگاه سلطان، به نام امیر مبارز در سال ۷۴۸ ق نوشته است.

ب. فی مناظره الشمس و السحاب، مناظره آفتاب و ابر در سال ۷۴۸ ق نوشته است.
ج. فی مناظره اللبده و الباری در مناظره نمد و بوریا گزارش سفر خیالی نویسنده به جانب حجاز در سال ۷۴۸ ق نوشته شده است.

د. سراجیه

۴. گزیده اشعار با نام «مفاتیح القلوب و مصابیح الغیوب» در ۲۸ باب است که شاعر از قصاید، غزلیات و مثنوی‌های خود منتخبی مناسب منظره و محاوره ترتیب داده است.^۲

درباره گل و نوروز

«گل و نوروز» نام دومین منظومه از خمسه شاعر پارسی گوی، غزل سرا و داستان پرداز قرن هشتم قمری «خواجوی کرمانی» است. این مثنوی در بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور (بر وزن خسر و شیرین نظامی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی)، سروده شده و شاعر در سرودن این مثنوی نظری تمام به خسرو و شیرین نظامی داشته است. وی این منظومه را در سال ۷۴۲ ق در ایام اقامت در کرمان یعنی در ۵۳ سالگی و ۸ سال قبل از وفات خود به نام تاج الدین احمد عراقی سروده است.

به شاهی بند این نظم دلاویز زده بر قصر هرمز تخت پرویز
دوشش بر بند سی گشته افزون به پایان آمد این نظم همایون
تعداد ابیات آن به اسره خو ۲ ۵۳ بیت است:

چو این ابیات دلکش را بجانوی گرت باید که اعدادش بدانی
«غلام خویش» را با «سرو» و «گلشن» مکرر کن که گردد بر تو روشن^۳

کتاب با نام پرورگار و حمد و ستایش او آغاز می شود:

به نام نقش بند صفحه خاک عذارا روز رویان افلاک
عبیر آمیز انفاس بهاری زبور آموز ذک و رهساری...

و به دنبال آن نعت پیامبر اکرم (ص) آورده می شود:

زهی طفلی که بود آدم طفیلش خلیل از سفره اندازان خیلش
سلیمان قدر شادروان لولاک جنیبت ران ته میدان افلاک...

۳- حاصل غلام خویش ۱۹۸۶ و سرو ۲۶۹ و گلشن ۴۰۰ است که مجموع آنها یعنی ۲۶۵۱ را اگر مکرر کنیم عدد ۵۳۰۲ به دست خواهد آمد.

۴- حسن ذوالفقاری، مقاله «عرایس و معاشیق (گل و نوروز)»، کیهان اندیشه، شماره ۳۹، ص ۱۸۳.

حجاب توست در راه تو هستی چو خواجو ترک هستی گیر و رستی
 که شادروان این خاکی و آبی چو نیکو بنگری بر باد یابی
 در بخش بعدی با عنوان «فی العزلة و الموعدة و یمدح سلطان العارفين ابایزید البسطامی
 قدس الله روحه» پس از چندی موعظه که:

ز منشور امل طغرای شاهی درین ره محو کن گر مرد راهی
 اساس شهریند نفس برکن ستون چارطاق طبع بفکن
 برون راز بادپا از عالم خاک چو مه خرگاه زن بر بام افلاک
 در مدح سلطان ابایزید البسطامی ابیاتی می سراید:

نگر مسافر نام لایزالی مثل گشته ز روی بی مثالی
 خرد را بین به باد بر نام شراب احمدی افکنده در جام
 ز سبحان نام سلطانی ز سلطان جام سبحانی گرفته

و در آخر از خداوند می خواهد که از سبب طبعش کند و در زمهری ایشان آوردش. در
 بخش بعدی کتاب با نام «در مناجات و درحوائس» حضرت باری تعالی جل ذکره «خواجو
 با خداوند خویش به راز و نیاز می پردازد:

خداوند! به حق نیک مردان که احوال نام را نیک گردان
 زبانی ده که اسرار تو گوید روانی ده که بیدار تو جوید
 من دل خسته را آن ده که آن به ز نفس کافر خویش امان ده

بعد از این بخش، خواجو «در سابقه نظم کتاب و حال خود گوید» که: سبی که همان
 در خواب بودند من کمیت اشک را بر جیحون جهانیده بودم. قلم به دست و دفتر باز بود
 که ناگاه بخت نیک روی کرد و نگارم از در درآمد و کتاب در دست داشت. آن نگار از من
 خواست تا کتاب را به پارسی به نظم کشم که دوران را قرار می نیست. پس این منظومه را
 به نام گل و نوروز به رشته نظم کشیدم. این مثنوی به جهت هدیه تاج الدین احمد عراقی

سروده شده است.^۵ بنابراین قسمت بعدی کتاب را در مدح همین شخصیت با عنوان «در مدح صاحب اعظم دستور عدل اکرم مدیر امور العالم تاج الحق و الدین العراقی» می آورد:

ز پیر عقل پرسیدم که با من بگوی این نکته پوشیده روشن
که بر این زمره از تأثیر افلاک کرا باشد شرف در عالم خاک
وایم داد عقل مصلحت‌بین که تاج‌الحق و الدینا و الدین

تاج‌الدین احمد عراقی از جمله وزیران مبارزالدین محمد و از مشوقان و حامیان خواجو بود و گفته است که به دستور او اشعار خواجو را پیش از وفاتش جمع‌آوری کردند. این وزیر دانشمند و دانا، حمایت‌ها نمود و از جهات مادی نیز کمبودهای وی را مرتفع می‌ساخت.^۶

بخش بعدی، متن داستان «گل و نوروز» قرار دارد که در خلاصه داستان به آن اشاره خواهد شد و بعد از بیان داستان چند بخش دیگر آمده است. بخش‌هایی در مدح دو پیر طریقت یعنی ابواسحاق و کازرونی که خواجو در طریقت مرید و پیرو آنها بود با عنوان: «در مدح قطب‌الاقصاف سلطان محققین کعبه‌الواصلین... مرشدالحق و الدین ابواسحاق ابراهیم کازرونی قدس الله سره» و «خطاب با باد بهار و ارسال عبودیت به حضرت ولایت‌پناه شیخ‌الاسلام اعظم قطب‌الدین راج‌الاصفیا امین‌الملئ و الدین الکازرونی رحمه الله علیه».

در قسمت بعدی با عنوان «در تاریخ ولادت خویش گوید و نمودار و ضایع‌الکی در وقت ولادت و نکوهش دوران افلاک» خواجو با ابیاتی بسیار وزین و زیبا تاریخ ولادت خود را به‌طور آشکار بیان می‌دارد. این بخش از این کتاب به لحاظ روشن نمودن بخشی از زندگی خواجوی کرمانی بسیار ارزشمند است. در ادامه، در بخش «در موعظه و وصف کتاب و

۵- همانجا، ص ۱۸۴

۶- همانجا، ص ۱۸۴

تاریخ و عدد ابیات» مخاطب خود را بار دیگر وعظ می‌کند و در بخش پایانی «در حسب حال خویش با ممدوح و خاتمت کتاب» گوید:

به نوروزی چو نقش نامه بستم به پیروزی ورق را در شکستم

مثنوی گل و نوروز در ایران دو بار به چاپ رسیده است: یک بار به کوشش کمال عینی (تهران، ۱۳۵۱ ش) و بار دیگر ضمن خمسه خواجهی کرمانی به کوشش سعید نیاز کرمانی (کرمان، ۱۳۷۰ ش).^۷

ویژگی‌های گل و نوروز

این منظومه از جمله منظوم‌های غنایی زیبایی ادبیات فارسی، داستان عشقی بین شاهزاده ایرانی به نام «نوروز» با دختر شاه به نام «گل» است. نهایت این عشق، وصال نوروز و گل و حاصل آن فرزندی است به نام «گل» که جای پدر را می‌گیرد.

خواجه اصل این «عشق‌نامه» را «کتاب به لفظ هنری» و ساخته «سحرسازان بابل» معرفی می‌کند و خبر می‌دهد که سرودن آن را در نوروز آغاز کرده است اما ظاهراً ماده اصلی آن همانند همای و همایون افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه ایرانی است که شاعر با افزودن پاره داستان‌هایی که بیشتر به قصه‌های نقالان می‌ماند آن را گسترش داده است. یان ریپکا^۸ سرمشق خواجه را در سرودن گل و نوروز از مثنوی ابن عربین نام از جلال

طیب شیرازی (وفات ۷۹۵ ق) می‌داند که در سال ۷۳۴ ق سروده شد است. فصاحت و روانی کلام خواجه، تشبیهات و استعارات بسیار زیبا، توصیفات بسیار انگیز از طبیعت، میدان جنگ و ...، ترکیبات و اصطلاحات هنرمندانه، اشاره به داستان‌های دیگر معاشیق چون خسرو و شیرین، ویس و رامین، لیلی و مجنون و ...، استفاده از امثال و حکم از ویژگی‌های بارز این منظومه است.

۷- محمود عابدی، مقاله «خمسه خواجهی کرمانی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد سوم، ص ۵۴.

۸- یان ریپکا، تاریخ ادبیات ایران، جلد ۱، ص ۴۶۹.